

بسم الله الرحمن الرحيم

فلسفه

درس 8

سیر تحولات فلسفه

(قسمت هفتم)

نگاهی به مکاتب فلسفی در جهان غرب

(قسمت دوم)

در دروس پیشین ، تاریخ فلسفه در اروپا از آغاز تا پایان دوره رنسانس ، یعنی تا آخر قرن شانزدهم ، از نظر شما گذشت . اینک به تبیین مکاتب فلسفی پس از این دوره می پردازیم :

فلاسفه قرن هیفدهم

نظر به ضعف مکاتب فلسفی در اواخر قرون وسطی و اوائل دوران رنسانس ، نوعی خلأ در زمینه نظام های استدلالی و فلسفی در دوران نوزایی اروپا به چشم می خورد.

"**رنه دکارت**" (Rene Descartes) فیلسوف معروف فرانسوی ، متولد سال 1596 و متوفای سال 1650 میلادی ، تلاش کرد تا یک نظام منسجم فلسفی مبتنی بر استدلال به وجود آورد و ضعف موجود را جبران نماید. وی معتقد بود که حقیقت ، بر پایه تعقل شخص از نفس خویش قرار دارد و بر این اساس ، "من می اندیشم" زیربنای "من هستم" می باشد. برخی از کتب معروف وی عبارتند از: "اصول فلسفه" و "تفکرات".

اندیشه های دکارت که استدلال را میزان و معیار شناخت حقیقت می دانست، منبع ادراک انسان از واقعیت را به استدلال و ادراک عقلی (Raison) محدود ساخت و موجب پیدایش مکاتب فلسفی اصالت عقل و استدلال (راسیونالیسم) در اروپا گردید که تا قرن هیجدهم میلادی رواج داشتند.

دیگر فلاسفه قرن هیجدهم عبارت بودند از :

توماس هابز [هابس] (Thomas Habbes) متولد سال 1588 و متوفای سال 1679 میلادی. وی فیلسوف سیاسی در انگلستان بود و کتاب معروف وی "لیویاتان" (Leviathan) نامیده می شود.

بلز پاسکال (Blaise Pascal) متولد سال 1623 در فرانسه ، و متوفای سال 1662 میلادی. وی ریاضیدان ، فیزیکدان و فیلسوف زمان خود بود. او بر این باور بود که دانش ، یک شهود روحی است و بدین جهت ، برای مدّتی فعالیت علمی خویش را رها ساخت و به ریاضت و دیر نشینی پرداخت.

باروخ اسپینوزا (Baruch Spinoza) متولد سال 1632 در هلند ، و متوفای سال 1677 میلادی. او به فلسفه دکارت علاقه مند بود و کتابی را در این زمینه نوشته است. کتابهای دیگر وی عبارتند از : "رساله الهیات" ، "علم اخلاق" و "بهبود عقل".

جان لاک (John Locke) متولد سال 1632 و متوفای سال 1704 میلادی. این فیلسوف انگلیسی نیز در آغاز ، فلسفه کانت را مورد مطالعه قرار داد و به مبحث شناخت شناسی اهتمام ورزید. یکی از ویژگی های این فیلسوف تجربی قرن هیجدهم ، پژوهش در زمینه مسائل اجتماعی و سیاسی و آزادی و حقوق بشر می باشد. وی اندیشه های فلسفه سیاسی خویش را در کتاب "دو رساله در باره حکومت" تبیین نموده است.

مالبرانش (Malebranche) متولد سال 1638 در پاریس ، و متوفای سال 1715 میلادی. وی نیز به فلسفه دکارت علاقه مند شد و کتاب "پی جویی حقیقت" را نوشت ؛ سپس به اندیشه های افلاطون گرایش پیدا کرد.

لایب نیتس (Leibniz) متولد سال 1646 در آلمان ، و متوفای سال 1716 میلادی. تحصیلات و تحقیقات وی در زمینه های فلسفه ، ریاضیات و علم حقوق بوده است.

فلاسفه قرن هیجدهم

در قرن هیجدهم ، فیلسوفانی مانند "هیوم" و "کانت" در صدد بر آمدند تا حدّ و مرز استدلال عقلی در فلسفه "دکارت" را تبیین کنند و محدودیت های آن را نشان دهند. این امر ، چنانکه در ادامه همین درس ملاحظه خواهید فرمود ، موجب تحوّلی دیگر در مکاتب فلسفی اروپا گردید.

فلاسفه معروف این دوران عبارتند از :

جرج برکلی (George Berkeley) متولد سال 1685 در انگلستان ، و متوفای سال 1753 میلادی. وی به عنوان یک مسیحی معتقد در صف کشیشان کلیسا قرار گرفت و بخشی از عمر خود را به سیر و سفر گذراند و علاوه بر فلسفه ، در زمینه های دیگری مانند اقتصاد و جغرافیا تبحّر داشت. از این دانشمند نیز ، کتابهای متعددی مانند "مبادی علم انسان" به جا مانده است.

ولتر (Voltaire) متولد سال 1694 در فرانسه ، و متوفای سال 1778 میلادی. وی که جایزه آکادمی فرانسه را بدست آورده بود ، در سال 1715 ، اشعاری را بر علیه حاکم وقت (فیلیپ دوم) سرود و به تبعید از فرانسه محکوم شد. اما پس از مدتی مورد عفو قرار گرفت و به کشور خود بازگشت. بسیاری از کتب و مقالات و نمایشنامه ها مانند کتاب "فرهنگ فلسفی" از او به جا مانده است.

دیوید هیوم (David Hume) متولد سال 1711 در اسکاتلند ، و متوفای سال 1776 میلادی. وی به عنوان فیلسوفی تجربه گرا قلمداد می گردد. از او کتابهای متعددی مانند "رساله در باره طبیعت آدمی" و "گفتارهای سیاسی" به جا مانده است.

ژان ژاک روسو (Jean-Jacques Rousseau) متولد سال 1712 در سوئیس ، و متوفای سال 1778 میلادی. وی از پیشگامان حقوق بشر در قاره اروپا به شمار می رود. او در کتاب معروف خود "قرار دادهای اجتماعی" تلاش می کند تا میان آزادیهای فردی و حقوق اجتماعی ، هماهنگی به وجود آورد.

امانوئل کانت (Immanuel Kant) متولد سال 1724 در آلمان ، و متوفای سال 1804 میلادی. برخی از آثار این فیلسوف بزرگ اروپا عبارتند از :
"نقد عقل مطلق" و "نقد عقل عملی".

فلاسفه قرن نوزدهم

چنانکه گذشت ، فلسفه اروپایی در قرن هیجدهم میلادی تحت تاثیر عمیق اندیشه های "دکارت" ، به سوی اتکاء بر استدلال عقلی برای شناخت واقعیتها گرایش پیدا کرد و موجب پدید آمدن مکاتب فلسفی "راسیونالیستی" در آن قاره گردید ، اما پژوهش های "کانت" و "هیوم" ، دامنه استدلال عقلی را به منظور کشف حقائق ، محدود ساخت. آنان معتقد بودند که عقل، در محدوده خاصی کارایی دارد و نمی تواند از آن محدوده فرا تر رود.

علاوه بر این محدودیت ها که فلاسفه این دوره را در مضیقه قرار می داد ، انتزاعی بودن و ذهنی شدن بیش از حدّ فلسفه در قرن هیجدهم و بیگانگی آن با واقعیتهای زندگی و عواطف انسانی و تجربیات و احساساتی مانند عشق، ترس و امثال آن، شرایط لازم را برای یک تحوّل جدید که عکس العملی شدید در برابر افراط راسیونالیست ها قلمداد شده است فراهم ساخت.

این عکس العمل ، در قالب مکاتبی گوناگون مانند "ایده آلیسم" ، "مارکسیم" ، "اگزستانسیالیسم" و "پزیتویسم" به ظهور رسید.

به منظور آشنایی با اندیشمندان این برهه از تاریخ اروپا ، اسامی متفکران و فلاسفه معروف قرن نوزدهم را به شرح ذیل ، از نظر شما می گذرانیم :

یوهان فیخته [فیخته] (Fichte) ، متولد سال 1762 در آلمان ، و درگذشته در سال 1814 میلادی. وی تحت تاثیر فلسفه "کانت" قرار گرفت و در مکتب او به مطالعه و پژوهش پرداخت. پس از "کانت" ، برخی از شاگردان و معاصران وی ، در صدد بر آمدند تا با تعبیراتی رمانتیک و بیان احساسی و عاطفی ، نقص مکاتب راسیونالیستی افراطی و انتزاعی را جبران کنند. برخی از نقادان فلسفه ، فیخته را نیز ، از نظریه پردازان این مکتب شمرده اند. همچنین ، افکار و اندیشه های این دانشمند قرن نوزدهم در خصوص اصالت روح ، باعث شده که مکتب فلسفی او را به عنوان نوعی "ایده آلیسم" قلمداد نمایند.

هگل (Hegel) متولد سال 1770 در کشور آلمان ، و درگذشته در سال 1831 میلادی. وی فلسفه کانت ، اسپینوزا و ژان ژاک روسو را مورد مطالعه قرار داد و خود نیز ، کتابهایی بدین شرح در تبیین افکار و اندیشه های خویش به رشته تحریر در آورد : "دائرة المعارف علوم فلسفی" ، "پدیدار شناسی روح" ، "مبانی فلسفه حقوق" و "علم منطق".

این فیلسوف توانست ایده آلیسم مطرح شده در اروپا پس از "کانت" را سامان بخشد و نظامی منسجم برای آن تدوین نماید. وی شیوه دیالکتیکی خویش را بر مبنای تضاد پایه ریزی کرد. بنا بر این نظریه ، عام ترین ایده "هستی" است ، و از درون آن ضدّ او که ایده "نیستی" است پدید می آید و با آن ترکیب می شود و در نتیجه ، پدیده ای دیگر یعنی ایده "شدن" به وجود می آید. ایده اول "تز" و ایده دوم "آنتی تز" و پدیده اخیر "سن تز" نامیده می شود. این "سن تز" نیز به نوبه خود در مرحله بعد در جایگاه "تز" قرار می گیرد و همان مراحل ادامه می یابد. نظریه دیالکتیکی مذکور در حقیقت ، انتزاعی بود برای رویدادهای تاریخ که همواره دو نیروی متضاد در مقابل یکدیگر قرار می گیرند.

شلینگ (Schelling) متولد سال 1775 در آلمان ، و درگذشته در سال 1854 میلادی. او نیز به عنوان فیلسوف ایده آلیست در اروپا به شمار می رود. برخی از کتابهای این دانشمند عبارتند از : "روح جهان" ، "فلسفه دین" ، "فلسفه اساطیر" ، "اندیشه های فلسفه طبیعت" و "بیان فلسفه من".

شوپنهاور (Schopenhauer) متولد سال 1788 در آلمان ، و متوفای سال 1860 میلادی. او از طرفداران مکتب "کانت" بود ، ولی "هگل" را آماج حملات و انتقادات شدید خود قرار داده است. وی اراده را دارای همان اصالت و نقشی که معاصرانش مانند هگل برای روح و عقل در جهان قائل بودند می دانست. نخستین عبارت شوپنهاور در کتابش به نام "جهان به منزله اراده و تمثّل" این جمله است : "جهان ، تصور من است". برخی از موضعگیری های منفی وی باعث شده است تا او را به عنوان فیلسوفی بدبین قلمداد کنند.

اگوست کنت (Auguste Comte [Conte]) متولد سال 1798 در فرانسه ، و متوفای سال 1857 میلادی. وی را بنیانگذار جامعه شناسی نوین نامیده اند. او برای مدّتی با فیلسوف صنعت "سن سیمون" همکاری داشت. برخی از آثار این دانشمند عبارتند از "دروس فلسفه اثباتی" ، "ملاحظات فلسفی در باره علوم و دانشمندان" و "رساله جامعه شناسی". مکتب فکری وی "پزیتویسم" یا *فلسفه اثباتی* نامیده می شود که اساس آن را بسنده کردن به داده های بدون واسطه حواس تشکیل می دهد.

فویر باخ (Ludwig Feuerbach) متولد سال 1804 در آلمان ، و درگذشته در سال 1872 میلادی. وی که در ابتدا از شاگردان هگل بود ، به مکتب اصالت ماده و اصالت حسّ گرایش پیدا کرد و کتاب "ماهیت مسیحیت" را به رشته تحریر درآورد.

جان استوارت میل (John Stuart Mill) متولد سال 1806 در انگلستان و متوفای سال 1873 میلادی. وی نیز یکی از پیشگامان حقوق بشر و آزادیهای سیاسی در اروپا محسوب می شود. او نویسنده ای توانا و سیاستمداری معروف بود و پژوهش هایی پیرامون معرفت شناسی و اصالت تجربه انجام داد. از این نویسنده انگلیسی ، کتابهای متعددی منتشر گردیده که برخی از آنها عبارتند از : "فایده گرایی" ، "اگوست کنت و پزیتویسم" ، "نظام منطق" و "اتو بیوگرافی".

کی بر کگارد (Kierkegaard) متولد 1813 در دانمارک ، و درگذشته در سال 1855 میلادی. او را که کشیش مذهبی بود و سپس به انتقاد کردن از افکار کلیسا پرداخت، بنیانگذار مکتب "اگزیستانسیالیسم" دانسته اند. وی در برابر

مکتب راسیونالیسم افراطی ، به مبارزه با فلسفه انتزاعی و محدود کردن ادراک حقیقت به استدلال عقلی محض پرداخت و ضرورت اهتمام به واقعیت های زندگی و احساس و عواطف را یاد آور شد. برخی از آثار وی عبارتند از : "مفهوم اضطراب" ، "تکرار" ، و "تجربه در مسیحیت".

کارل مارکس (Karl Marx) متولد سال 1818 در آلمان ، و درگذشته در سال 1883 میلادی. وی بنیانگذار مکتبی فلسفی با ابعاد سیاسی و اقتصادی است که به مکتب "مارکسیسم" معروف است. این مکتب فلسفی بر مبنای اصالت ماده (ماتریالیسم) قرار دارد. از دیدگاه مارکس ، تاریخ همواره تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است. برخی از کتابهای معروف او عبارتند از : "سرمایه" ، "فقر فلسفه" و "مانیفست".

ویلیام جیمز (William James) متولد سال 1842 در ایالات متحده آمریکا ، و متوفای سال 1910 میلادی. وی را بنیانگذار مکتب "پراگماتیسم" (اصالت عمل) دانسته اند. برخی از آثار او عبارتند از : "دین و روان" و "جهان کثرت گرا" . جیمز ، علاوه بر فلسفه ، در زمینه روانکاوی تجربی نیز ، پژوهش های دامنه داری را انجام داده است. مکتب "پراگماتیسم" بر آن است که حقیقت عبارت است از قضیه ای که فایده عملی داشته باشد ، و به عبارت دیگر ، معنایی که ذهن انسان می سازد برای اینکه از آن رهگذر به نتیجه عملی بهتر و مناسب تری نائل گردد.

نیچه (Friedrich Nietzsche) متولد سال 1844 در آلمان ، و درگذشته در سال 1900 میلادی. وی از ناقدان فلسفه ، دین و فرهنگ بوده است. برخی از کتابهای وی عبارتند از : "سپیده دم" ، "اراده معطوف به قدرت" ، "انسانی بیش از حد انسانی" ، "فراسوی نیک و بد" و "تبار شناسی اخلاق".

فلاسفه قرن بیستم

جنگ جهانی اول و دوم میان کشورهای غربی و کشتار دهها میلیون انسان در فاصله ای کوتاه در قرن بیستم ، زمینه را برای از هم گسیختگی و فروپاشی فکری و معنوی مردم اروپا و آمریکا فراهم ساخت. حوادث سهمگین

و باور نکردنی مذکور ، نسل جدید مغرب زمین را نسبت به مبانی فکری و مذهبی و ارزش های اروپایی معاصر خود بد بین و بی اعتماد ساخت. این حالت تردید و گسستگی فکری نسبت به ارزش های تمدن غربی ، در نهضت‌های عصیانگر اجتماعی مانند "هیپی گری" و امثال آن ظاهر می گشت. حوادث دهشتبار قرن بیستم و پیامدهای آن ، در شکل گیری مکاتب فکری دوران یادشده نیز ، تاثیر گذار بوده و تحولاتی را به دنبال داشته است. به منظور آشنایی بیشتر با فلاسفه قرن بیستم ، اسامی متفکران و فیلسوفان مشهور این برهه از تاریخ اروپا را از نظر شما می گذرانیم :

جان دیوی (John Dewey) متولد سال 1859 در ایالات متحده آمریکا ، و درگذشته در سال 1952 میلادی. وی که در علم و فلسفه تبحر داشته ، در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت پژوهش های گسترده ای انجام داده است. او همچنین تلاش کرده است تا علم ، فلسفه و دموکراسی را مرتبط با یکدیگر معرفی کند. برخی از کتاب های وی عبارتند از : "بازسازی در فلسفه"، "فلسفه اصالت فرد" ، "در جستجوی یقین" و "تجربه و طبیعت".

هوسرل (Edmund Husserl) متولد سال 1859 در منطقه "Moravia" که امروزه در کشور جمهوری چک قرار دارد ، و متوفای سال 1938 میلادی. وی را به علت وضعیت جغرافیایی آن زمان ، فیلسوفی آلمانی می نامند که در زمینه مکتب "پدیدار شناسی" نظریه پردازی کرده است. او معتقد بود که مبانی اصلی علوم ، نیازمند فلسفه هستند ، و بر این اساس ، در جهت هماهنگی علوم و فلسفه می کوشید.

برتراند راسل (Bertrand Russell) متولد سال 1872 در انگلستان ، و درگذشته در سال 1970 میلادی. وی در زمینه منطق ریاضی و فلسفه تحلیلی دارای پژوهش های زیادی است. برخی از کتابهای معروف او عبارتند از: "مقدمه ای بر فلسفه ریاضی" و "چرا مسیحی نیستم". راسل از جمله فلاسفه ای است که در این دوران ، به مخالفت با کلیسا و باورهای مذهبی پرداخته است.

ژاک مارتین (Jacques Maritain) متولد سال 1882 در فرانسه ، و متوفای سال 1973 میلادی. وی مروّج مکتب فلسفه "تومائی جدید" (Neo Thomism) بوده

است که در حکم تجدید مکتب "اسکولاستیک" در قرون وسطی است که توسط فیلسوفانی مانند "توماس آکویناس" سازماندهی شده بود. برخی از آثار علمی وی عبارتند از: "در آمدی بر ما بعد الطبیعه"، "مبادی فلسفه"، "مدارج معرفت" و "دین و فرهنگ".

اتین ژیلسون (Etienne Gilson) متولد سال 1884 در فرانسه، و در گذشته در سال 1978 میلادی. وی نیز از نظریه پردازان مکتب "تومائی جدید" است. او کمال فلسفه مابعد الطبیعه را اثبات وجود خدا می داند و وجود حق را به عنوان هستی محض و خالص معرفی می کند. کتابهای معروف وی عبارتند از: "وحدت تجربه فلسفی"، "خدا و فلسفه" و "روح فلسفه تومائی".

ویتگنشتاین (Ludwig Wittgenstein) متولد سال 1889 در اتریش، و متوفای سال 1951 میلادی. وی نیز از پیشگامان منطق ریاضی و فلسفه تحلیلی است. کتاب او تحت عنوان "رساله منطقی-فلسفی" منتشر گردیده است.

هایدگر (Martin Heidegger) متولد سال 1889 در آلمان، و متوفای سال 1976 میلادی. مهمترین کتابهای او عبارتند از: "وجود و زمان" و "تعلیقات بر فلسفه". وی در زمینه وجود شناسی، پژوهش های گسترده ای بعمل آورده است.

گابریل مارسل (Gabriel Marcel) متولد سال 1889 در فرانسه، و متوفای سال 1973 میلادی. وی یکی از فلاسفه مکتب "اگزیستانسیالیسم" قلمداد می شود. چنانکه قبلا بیان شد، این مکتب که بر اصالت حیات و وجود فردی تاکید می کند توسط "کی یر کگارد" بینانگذاری شد و پس از وی به دو شکل موافق مذهب و مخالف مذهب در اروپا رواج یافت. "گابریل مارسل" بعنوان نماینده "اگزیستانسیالیسم موافق مذهب" محسوب می شود، و "سارتر"، بعنوان مروج "اگزیستانسیالیسم مخالف مذهب" به شمار می رود.

کارل پوپر (Karl Popper) متولد سال 1902 در اتریش، و متوفای سال 1994 میلادی. وی در زمینه فلسفه سیاسی، دارای نظریه پردازیهای مفصلی است و به خاطر اهتمام او به علوم تجربی بیش از مسائل آکادمیک فلسفی، او را

"خرد گرایی سنجشگر" (Rationalismus Kritischer) دانسته اند. او همچنین ، یکی از منتقدان جدی مکاتب فلسفی تاریخگرا به شمار می آورند. برخی از کتابهای معروف وی عبارتند از : "منطق پژوهش" ، "فقر تاریخگرایی" ، "جامعه باز و دشمنان آن" ، "حدس ها و ابطال ها" ، "شناخت عینی" و "فلسفه و فیزیک".

ژان پل سارتر (Jean-Paul Sartre) متولد سال 1905 در فرانسه ، و متوفای سال 1980 میلادی. وی نیز ، از فلاسفه مکتب "اگزیستانسیالیسم" است. برخی از کتابهای "سارتر" عبارتند از : "تخیل" ، "نقادی عقل دیالکتیک" ، "کلمات" ، "هستی و نیستی" ، "نظریه احساسات" و "راه های آزادی".

میشل فوکو (Michael Foucault) متولد سال 1926 در فرانسه ، و درگذشته در سال 1984 میلادی. وی در زمینه روابط اجتماعی و قدرت ، پژوهش هایی انجام داده است. برخی از آثار او عبارتند از : "دیرینه شناسی دانش" و "دیوانگی و تمدن".

سیمون دوبوار (Simone de Beauvoir) متولد سال 1908 در فرانسه ، و درگذشته در سال 1986 میلادی. این بانوی فیلسوف نیز ، از جمله مروجان مکتب "اگزیستانسیالیسم" در کنار "ژان پل سارتر" می باشد. وی علاوه بر آشنایی با فلسفه ، به عنوان یک رمان نویس و فعال سیاسی با گرایش "فمینیسم" شهرت یافته و کتاب معروف او در این زمینه "جنس دوم" نام دارد.

ماکس وبر (Max Weber) ، جامعه شناس آلمانی ، متولد سال 1864 ، و متوفای سال 1920 میلادی نیز ، در این دوره می زیسته و اندیشه های او در شکل دادن به مکاتب جدید فکری در اروپا ، مؤثر بوده است. برخی از کتابهای او عبارتند از : "آموزش علم" و "اخلاق پروتستانی و روح کاپیتالیسم".